

عاشقان بی‌شمار صدای محمد رضا شجریان
از فقدان این حنجره داوودی گفتندآه از آن رفتگان
بی‌برگشت*

الوداع ای مرغ سحر

عالیم قاسمی
خواننده بزرگ
و برجسته موسیقی
آذربایجان

در کمال تأسف موت جسمانی
برجسته‌ترین و محبوب‌ترین خواننده
ماندگار ایران استاد محمدرضا شجریان
که به حق یکی از بهترین خوانندگان
شرق نیز بود را به مردم هنردوست
ایران، خانواده هنرپرور شجریان و سایر
هنرمندان عزیز و شاخص موسیقی آن
سرزمین تسلیت می‌گوییم. شجریان در
یکصد سال گذشته موسیقی ایران در دیف خوانندگان بزرگ و
نادر قرار دارد ولی تأثیرگذاری او بیش از دیگران است. صدای او
بسیار شیرین و دلنواز است و در جان ملت ایران جایی والا و مانا
دارد. مرتبه‌ای که هر هنرمندی نمی‌تواند آن جایگاه و قله ارزشمند
مردمی را فتح کند.

شجریان نه تنها در موسیقی ایران بلکه در موسیقی جهان
نیز اعتباری گرانسنگ دارد و به عنوان شناسنامه آواز ایران
شناخته می‌شود. او در نزد اهالی موسیقی و دوستداران موعام
در آذربایجان نیز بسیار عزیز و مشهور می‌باشد به طوری که وی
نیز برای موسیقی و موعام آذربایجان علاقه‌ای شایسته و شایان
داشت. بیش از ۳۰ سال است که با صدای روحبخش شجریان
آشنا هستیم و می‌توان گفت اکثر آثار او را با جان شنیده‌ام و لذت
برده‌ام. در یکی از فستیوال‌های موسیقی در فرانسه بعد از کنسرت
جداگانه‌مان در یک سالن دیدار بسیار صمیمی در هتل داشتیم.
در تهران نیز که میهمان ایشان بودم خیلی مهربان و ارجمند از
من استقبال کرد و سازهای ابداعی خود را معرفی کردند. مکتب
آوازی شجریان در موسیقی ایران تأثیر ویژه در بین خوانندگان
جوان دارد که پرهروباد.

بی‌تردید خواننده‌ای که نغمه‌خوان عشق است، هرگز نمی‌میرد
و فراموش نمی‌شود و روح بزرگ او در پرتو صدای آسمانی برای
همیشه قرین رحمت حق خواهد بود.

شهرام ناظری
خواننده پیشگام
موسیقی ایران

نام و هنر او در تاریخ جاودانه است
سابقه آشنایی ما به سال‌های دور
برمی‌گردد، به سال‌های قبل از انقلاب و
پیش از کانون چاووش؛ از ابتدای تشکیل
این کانون دوست بودیم و در کنار این
رفاقت همکار هم بودیم و هر دو
تدریس می‌کردیم؛ در آن ایام در
کانون چاووش سه کلاس آواز برپا
بود؛ کلاس آقای شجریان و آقای
نصرت‌الله ناصح‌پور و کلاس بنده، اگرچه تدریس آواز و فعالیت‌های
موسیقی بن‌مایه و بهانه همکاری ما در کانون چاووش بود اما روح و
جان این کنار هم بودن، ارتباط دوستانه و عاشقانه‌ای است که در بین
همه اعضای کانون چاووش وجود داشت؛ در واقع آنچه همکاری ما در
این دوره را درخشان و ماندگار کرد، عشق و علاقه خاصی است که در
بین همه افراد گروه بود، چرا که ما نسل آرمانخواهی بودیم....

از آن دوران پر از عشق و آرزوی کانون چاووش و مرکز حفظ و اشاعه
موسیقی سال‌های بسیاری می‌گذرد و خاطرات شیرین بسیار است و البته
پستی و بلندی‌ها و تلخی‌های بسیاری را هم در کنار یکدیگر گذراندیم
و آنچه آن ایام را برای ما ماندگار کرد، آرمان‌خواهی و پایبندی به
اصولی از موسیقی و اخلاق بود که همه به آن اعتقاد داشتیم...
از آن جمع بسیاری سفر کرده‌اند و حالا محمدرضا شجریان هم به
قاب خاطرات ماندگار پیوسته است. من از واژه مرگ و رفتن برای او
استفاده نمی‌کنم، چرا که محمدرضا شجریان هنرمند است و بزرگ و
چنین هنرمندی هرگز نمی‌میرد. نام و هنرش در ذهن تاریخ ماندگار
و جاودانه است؛ رمز ماندگاری او فارغ از محبوبیت و جایگاهش در
جامعه هنری، رفتار اجتماعی او و ماندن کنار مردم این سرزمین
است. او هنرمندی در بطن جامعه بود و این شاخصه فراتر از تمام
ذات هنری‌اش مؤلفه مهمی برای ماندگاری و محبوبیت است. این دو
ویژگی با هم تعیین‌کننده محبوبیت و جایگاه یک هنرمند در جامعه
است.

هنرمندی آراسته به توانمندی‌هایی چند

جلال‌الدین خراز
نویسنده، شاعر،
پژوهشگر

روانشاد استاد شجریان بی‌هیچ گمان و
گرافه، بزرگ‌ترین و هنری‌ترین خواننده
آواز در روزگار ما است. حتی در تاریخ
هنر ایران هم آوازخوانی هم پایه او به
دشواری می‌توان یافت. او هنرمندی
بود که به شایستگی‌ها و توانمندی‌هایی
چند آراسته بود. گذشته از خنای نغز و
ناب ایرانی که در آن استادی بی‌چند و

چون بود با سخن پارسی هم آشنایی داشت. بویژه در آن بخشی از
این سخن که هم‌دوش و هم‌آغوش می‌تواند شد با خنیا، بویژه با
آواز. در بزمی که چندی پیش از بزرگداشت حافظ برگزار می‌شد

شجریان تبلور هنر ایران زمین است

غلامحسین
امیرخانی
استاد پیشگام
خوشنویسی

هیچ پدیده‌ای
در تاریخ
جامعه بشری
با هنر قابل
مقایسه نیست.
به این دلیل
که هنر تنها
پدیده‌ای است

که همه مردم جهان را با هرگونه فرهنگ
و جایگاه جغرافیایی به دور یک سفره
معنوی جمع می‌کند. و درعین اینکه
خاصیت لطیف روح و روان انسان را
دارد، زمینه‌ای فراهم می‌کند که ما آدم‌ها
با چشم و نگاه مهربان و صدای گرم و توأم
با محبت با یکدیگر برخورد کنیم. استاد

شجریان به عنوان نمونه‌ای از فرهنگ
ایران به حساب می‌آید. فرهنگ و هنر
ایران در مقاطعی از تاریخ در فرصت‌های
خاصی با توجه به شرایطی که به وجود
می‌آید به گونه‌ای در یک مقام، فرصت و
شخصیت تبلور پیدا می‌کند. من از سال
۴۵ با استاد هم‌صحبت و همنشین بودم و
به نوعی ارتباط خانوادگی داشتیم.

از موقعیت خاصی که جغرافیا و فرهنگ
ایران داشته از آن حافظ و سعدی، مولوی
و سنایی، ابوعلی سینا، بیرونی و فارابی و...
درمی‌آید. اتفاقاً این شخصیت‌ها در مقاطع
دشواری تاریخی بالندگی پیدا کرده‌اند. باید
استادان علم جامعه‌شناسی عمیقاً بررسی
کنند که چگونه از بین این همه دشواری‌ها

پدید آمدن این همه مفاخر علمی و فرهنگی
در تاریخ ایران شاهد بودیم. بخصوص در
زمان مغول شخصیت‌های بزرگ ما از تمام
مناطق که در ایران فرهنگی مشترک بودند،
پرورش پیدا می‌کنند. این نکته‌ای است که
بسیار عبرت‌آموز است تا قدر خودمان را
بدانیم.

ما به عنوان ملت ایران کسانی بودیم و
هستیم که به مناسبت آن سابقه دیرینه،
قدرشناس جواهراتی بودیم که در هر
جایی و به هر نامی تجلی یافتند و ما این
جایگاه را در هر لایه‌ای شناختیم و قدر
دانستیم. ما به عنوان شیعه به خاطر
اخلاق و مقام انسانی ائمه دلبند آنها
شدیم نه به خاطر مسائل سیاسی و قدرت.

غیر از هنر که تاج سر آفرینش است بنیاد
هیچ منزلتی جاودانه نیست.
استاد محمدرضا شجریان تبلور هنر ایران
در این چندین دهه بود. استادان بزرگ
پیشین میراثشان را به ایشان منتقل کردند
و ایشان مثل جواهری آن میراث گرانقدر
را به صورت گردنبندی در گردن آویز خود
قرار داد و منظور بخش آوازی و موسیقایی

کشورمان است که در دنیا یگانه و بی‌نظیر
قدرشناس جواهراتی بودیم که در هر
جایی و به هر نامی تجلی یافتند و ما این
جایگاه را در هر لایه‌ای شناختیم و قدر
دانستیم. ما به عنوان شیعه به خاطر
اخلاق و مقام انسانی ائمه دلبند آنها
شدیم نه به خاطر مسائل سیاسی و قدرت.

پرورش آن را فراهم کردند. ما مدیون آنها
هستیم و قدر آنها را می‌دانیم. اقبالی که از
همه جای ایران و خارج از کشور در این ۲۴
ساعت هنوز از مرگ استاد گذشته، شده
نشان از قدرشناسی ما فارسی‌زبانان از این
استاد بزرگ است.

صدای استاد این هنر را به جایگاهی رسانده
که اگر بخواهیم معنا را به عنوان هدفی
که بخش اصلی شخصیت آدم‌هاست،
توصیف کنیم آن معنا در قالب هنر بروز
پیدا می‌کند. موسیقی بی‌نظیر و یگانه ما
در هر گوشه و دستگاهی تاریخ ایران را
تعریف می‌کند. گاهی یک اثر هنری انسان
را متحول می‌کند. البته بستر مساعد خیلی
نقش دارد. جامعه باید به گونه‌ای رشد

یابد تا از طریق رسانه‌ها عاطفه انسان و
قابلیت زیبایی دوستی انسان از طریق هنر
به تبلور و به آن مقام معنایی برسند تا قدر
و ارزش هنر و پیام آن را دریافت کنند. ملت
ما باید سعادتمندترین ملت دنیا باشد
که از طریق هنرش انسان را به موجودی
تبدیل کند که بیش از یگانگی به وجود
بیاید. هنر تنها جایی است که با آن دعوا
و جنگ از بین می‌رود. آوازهای بی‌نظیر
استاد شجریان بیشتر اشعار سعدی، حافظ
و دیگر بزرگان ادب در آن تجلی پیدا کرده
است. آواز استاد شجریان از نظر مقام هنر
از بیتی که در یک غزل حافظ می‌خواند رد
شده است و بالاتر رفته است. و این چیزی
نیست که آسان به دست بیاید.

اکنون که استاد از بین ما رفته‌اند زندگی
پس از مرگش درخشان‌تر خواهد بود. ما
انسان‌ها در قرن بیستم دچار سرگشتگی
شده‌ایم و تکنولوژی بی‌اخلاقی به ما
تحمیل کرده است. نیاز داریم تشنگی و
درماندگی‌مان را جرعه جرعه با این آواز
خوش و اشعار آسمانی توأم با حکمت
و معرفت برطرف کنیم. منتها باید این
فرصت را جامعه به همه مردم جهان
بدهد تا از این ظرفیت استفاده کنیم. ما
هنرمان در دنیا جزو ۵ کشور مهم دنیاست
و ما مدیون می‌شویم اگر همه چیزمان در
رده پنجم دنیا نباشد. باید برای حفظ این
میراث این کار را بکنیم. باید ببینیم کجای
کارمان ایراد دارد و گره‌گشایی کنیم.

♦ تیزر برگرفته از شعر «هوشنگ ابتهاج»

